

راهکارهای تبلیغی پیامبر اعظم (ص)

دکتر حمید نگارش*



چکیده

برای رساندن پیام الهی، اولین و اصلی‌ترین هدف پیامبران، به ویژه نبی مکرم اسلام (ص) تبلیغ بوده است. مقاله حاضر می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که چگونه پیامبر (ص) توانست در فرصتی محدود و با امکاناتی ناچیز، چنان تحولی در مردم به وجود آورد که بعد از مدتی جامعه‌ای کاملاً متفاوت با آنچه پیش از آن بوده به وجود آید؟ فرضیه مورد آزمون این است که نبی اکرم (ص) با استفاده از راهکارهای خاص تبلیغی مبتنی بر رویکرد پیامبرانه، مخاطب خود را قلوب و دلهای مردم قرار داد و توانست به این مهم نایل شود. مقاله با دلایل و استنادات و با رویکرد توصیفی به اثبات این فرضیه می‌پردازد.

واژگان کلیدی: تبلیغ، دین، راهکارهای تبلیغی، رویکرد پیامبرانه، پیامبر اعظم (ص)

مقدمه

اسلام برترین پیام آسمانی را برای سعادت آدمی به ارمغان آورد؛ پیامی که توانست در مدتی کوتاه دلهای مشتاق راه حق و حقیقت را به طرف خود جذب نماید. اسلام به همت نبی اکرم، حضرت محمد (ص) در سرزمین حجاز ظهور یافت. سرزمین سوخته‌ای که نشانی از تمدن و فرهنگ در خود نداشت. اهل آن به

تجاوز و غارت تفاخر می‌کردند، حق و حقوق بر مدار قدرت بود. اما در همین سرزمین، انسان‌هایی سر برآوردند که زمینه را برای پیدایش تمدن بزرگ فراهم کردند. پرسش این است که چگونه پیامبر^(ص) توانست در مدتی کوتاه و با کم‌ترین امکانات، از یک جامعه بدوی و جاهلی، یک جامعه آرمانی، عدالت‌خواه و اسلامی بسازد؟ چطور مردم از منزل نفس رهانیده شده، به سوی حق سوق پیدا کردند. از خود رها شده و به خدا رسیدند. فرضیه مورد آزمون نوشتار، این است که نبی مکرم اسلام در جریان حرکت دادن مردم به طرف خداوند، از راهکارهای تبلیغی خاص استفاده کردند. در این راهکارها قلوب مردم مخاطب قرار گرفت؛ به گونه‌ای که پیام در دل‌ها نفوذ کرده و قلب‌ها را به تسخیر خود درآورد. این رویکرد ضمن ارائه مدل‌های رفتاری و عملی، زمینه انقلاب و تحول اساسی در رفتارها را پدید می‌آورد. حلم و بردباری، عفو و گذشت، شرح صدر، تواضع و... از آن جمله است. امروز هم رویکرد پیامبرانه در تبلیغ، منشاء تحولات اساسی است. همچنان که امام خمینی^(ره) با تأسی به آن، منشأ تحول عظیم در احیای هویت دینی شد. با وجود آن‌که در فرآیند تبلیغ، تحولات چشمگیری رخ داده است، روش پیامبرانه همچنان پیش‌رو همگان است، چه این‌که در این رویکرد، مخاطبان به حیات معنوی و پویایی دعوت می‌شوند. در رویکرد پیامبرانه، دردشناسی و درمان‌گری هر دو با هم وجود دارد و نجات بشر از هلاکت و عذاب همیشگی را مورد توجه قرار می‌دهد. این رویکرد می‌کوشد آگاه‌سازی بشر را در دستور کار خود قرار داده و با جهل و تعصبات غلط مقابله کند. در رویکرد پیامبرانه، بارقه‌های امید در دل‌های آدمیان زنده می‌شود. این مقاله می‌کوشد بعضی از راهکارهای تبلیغی پیامبر^(ص) را که در بر دارنده رویکرد خاص می‌باشد بیان کند.

❖ مفهوم‌شناسی

۱. تعریف تبلیغ

تبلیغ از ریشه «ب.ل.غ» به معانی رساندن و رسانیدن پیام می‌باشد، اصطلاح پروپاگاندا (propaganda) امروزه معادل تبلیغ و به معنای تحت تأثیر قرار دادن دیگران می‌باشد.^۱

واژه تبلیغ، گویای رساندن پیام به صورت صحیح می‌باشد و واژه‌های هم‌خانواده



آن نیز در قرآن و کتب روانی فراوان کاربرد دارد. به عنوان مثال درباره پیامبران می‌فرماید: «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ»^۲ مفهوم تبلیغ (رساندن پیام الهی) نیز در آیات زیادی به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، قرآن می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»^۳

تبلیغ در اصطلاح، رساندن پیام به دیگری به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار اوست و بر سه عنصر اصلی: پیام دهنده، پیام‌گیرنده و پیام استوار می‌باشد.^۴ در تبلیغ تنها رسانیدن یک ایده به مخاطب مراد نمی‌باشد، بلکه اقناع یا ترغیب او مورد نظر است. پس باید کوشید تا با شفاف‌سازی پیام، مخاطب را از طریق سبک‌ها و ابزارهای گوناگون قانع ساخت و به هدف خود مایل گرداند.

۲. شاخص‌های تبلیغ دینی پیامبر اعظم (ص)

تبلیغ دینی دارای شاخص‌های مهمی است که به واسطه آن سمت و سوی تبلیغ روشن می‌شود. بعضی از این شاخص‌ها عبارتند از:

۲,۱. دعوت به توحید، بندگی خدا و اجتناب از طاغوت:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۵

۲,۲. توجه دادن به معاد:

«أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»^۶

۲,۳. زنده کردن دل‌ها و روح‌ها:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»^۷

۲,۴. نوید و هشدار:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا × وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا»^۸

تعلیم و تزکیه، امر به معروف و نهی از منکر، برانگیختن فطرت و عقل، توجه دادن انسان به مقام و منزلت خویش در هستی و ترغیب به شکوفایی این منزلت برای رسیدن به غایت خلقت او از دیگر اهداف مهم تبلیغ دین می‌باشد.

۳. پیام‌گزار دینی (مبلغ)

پیام‌گزار در لغت به معنی رسول، پیغام‌آور و مانند آن آمده است.^۹ از منابع دینی استفاده می‌شود که پیام‌گزار دین، کسی است که پیام دینی را با استفاده از روش‌ها و ابزارهای مشروع به مردم می‌رساند و از کسی جز خدا واهمه ندارد و اجر و پاداش کوشش‌های تبلیغی خود را نیز تنها از او انتظار دارد:

«الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا»^{۱۰}

جایگاه پیام‌گزار (مبلغ)

کار مبلغ دین، هدایت انسان‌ها به سوی خداوند است. از این رو منزلت و جایگاهش نیز بسیار مهم و ارزشمند است. قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا». زنده‌گرداندن دل‌های مرده بر عهده پیام‌گزاران و مبلغان دین است.

۴. پیام‌گیرنده:

از ارکان مهم تبلیغ، پیام‌گیرنده است که با وجود او تبلیغ معنی پیدا می‌کند. توجه به علم و آگاهی، باورها، سن، جنس، جایگاه اجتماعی از موارد مهمی است که در ارائه پیام به گیرندگان آن باید توجه شود.

۵. پیام:

پیام، اعتقاد، اندیشه یا گرایشی که پیام‌دهنده قصد دارد آن را به پیام‌گیرنده منتقل کند و ممکن است بار سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، علمی و مانند آن داشته باشد. پیام هر قدر به میزان بیشتری از محتوا، جذابیت و کارایی لازم و درک فرهنگ زمان



برخوردار باشد، اهمیت بیشتری دارد.^{۱۱}

۶. راهکارهای تبلیغی:

مراد از راهکارهای تبلیغی، راه‌ها و روش‌هایی است که نبی مکرم اسلام (ص) برای تبلیغ حقایق دینی از آن استفاده نموده است. در نظرگاه اسلام، چگونگی تبلیغ دینی اهمیت فراوانی دارد. این اهمیت از اصل نیاز دین به تبلیغ ناشی می‌شود و بهره‌گیری از راهکارهای جذاب و کارآمد و به روز، نقش مهمی در تأثیر تبلیغ ایفا می‌کند. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: «امروز در دنیا در زنده‌ترین مسائل و علوم مورد احتیاج مردم که در میدان و صحنه تبادل نظر، ساعت به ساعت روش‌های نو را به کار می‌برد، چگونه می‌خواهیم حرف حق خود را به همان شیوه و روش که در صد سال پیش داشتیم در میان بگذاریم... باید ابزار را به تناسب انتخاب کرد.»^{۱۲}

❁ رویکرد پیامبرانه در تبلیغ

پیامبر اکرم (ص) در مدتی کوتاه توانست انقلابی بزرگ در رفتار، روش و افکار مردم زمان خود ایجاد کند. آن بزرگوار توانست من‌عالی و انسانی را در وجود انسان‌های عصر و دیار خود زنده گرداند. این تحول عظیم در سایه رویکرد خاص آن بزرگوار بود؛ رویکردی که می‌کوشد با همه وجود، دل‌ها و قلب‌ها را متوجه دین گرداند. این رویکرد مربوط به همه پیامبران است.

استاد مطهری می‌نویسد: «پیامبر خدا به معنی عام، پیام خدا را به خلق خدا ابلاغ می‌کند و نیروهای آن‌ها را بیدار می‌کند و سامان می‌بخشد و به سوی خدا و آنچه رضای خدا است، یعنی صلح و صفا و اصلاح طلبی و بی‌آزاری و آزادی از غیر خدا و راستی و درستی و محبت و عدالت و سایر اخلاق حسنه دعوت می‌کند و بشریت را از زنجیر اطاعت هوای نفس و اطاعت بت‌ها و طاغوت‌ها رهایی می‌بخشد... بنابراین رهبری خلق و سامان بخشیدن و به حرکت درآوردن نیروهای انسانی در جهت رضای خدا و صلاح بشریت، لازم لاینفک پیامبری است.»^{۱۳}

بیان راهکارها

۱. استفاده از زمان و مکان مناسب

یکی از راهکارهای مناسب جهت تبلیغ دین، استفاده از زمان و مکان مناسب است. یکی از این مناسبت‌های مهم، مراسم حج است که کنگره‌ای بین‌المللی است. پیامبر اکرم (ص) از این موقعیت حداکثر استفاده را جهت تبلیغ دین به کار می‌برند. عبدالله بن کعب می‌گوید: پیامبر خدا (ص) سه سال نخستین دوران نبوت خود را پنهانی دعوت می‌فرمود و از سال چهارم تا ده سال در مکه دعوت خود را علنی کرد. در موسم حج به سراغ حجاج در منزل‌هایشان در عکاظ و مجنه و ذی‌المجاز می‌رفت و به دعوت آن‌ها می‌پرداخت.^{۱۴}

واقدی نقل می‌کند: ما، در منی نزد جمره اولی نزدیک مسجد خیف منزل داشتیم. رسول خدا (ص) در حالی که بر مرکب خود سوار بود و زید بن حارثه را بر ترک آن سوار کرده بود، آمد و ما را دعوت به اسلام کرد و ما شنیده بودیم که او در موسم حج دعوت می‌کند.^{۱۵}

ربیع بن عباد گوید: من نوجوانی بودم همراه پدرم در منی، رسول خدا (ص) به منزل‌گاه

یکی از فلسفه‌های حج و آن اجتماع بزرگ همین است که مسائل مربوط به امت اسلام مطرح شود و برای چاره‌اندیشی، تبادل نظر به عمل آید (لیشنهدوا منافع لهم).^{۱۶}

قبایل عرب می‌آمد و می‌گفت من پیامبر خدا به سوی شما هستم، از شما می‌خواهم خدا را پرستش کنید و برای او شریک قرار ندهید و آنچه شریک خدا ساخته‌اید به دور افکنید و به من ایمان آورید و مرا تصدیق کنید و در انجام رسالتی که از خدا دارم از من دفاع نمایید.^{۱۶}

ابونعیم نقل می‌کند که وقتی علی (ع) از انصار و فضیلت و سوابق آن‌ها می‌فرمود در ضمن بیانات خودش اشاره کرد که رسول خدا (ص) در اوقات حج به دعوت قبایل می‌پرداخت و کسی پاسخ نمی‌داد. در مجنه و عکاظ و منی به سراغ قبائل می‌رفت و هر سال که می‌گذشت باز هم آن‌ها را دعوت می‌کرد تا آن‌جا که قبایله می‌گفتند وقت آن نرسیده که از ما نومید شوی، تا این که خدای عز و جل اراده نمود انصار این دعوت را بپذیرند، چون اسلام را بر آن‌ها عرضه کرد، پذیرفتند و یاری کردند و...^{۱۷}



این‌ها نمونه‌هایی از روایات بود که تبلیغ پیامبر^(ص) را در عرصه حج آشکار می‌نمود. از یک منظر، موسم حج در امر تبلیغ قابل بررسی است. موقعیت و تجمع بی‌نظیر مسلمین که در هیچ مناسبتی بدین‌گونه تحقق نمی‌پذیرد. در این اجتماع بین‌المللی می‌توان با زبان‌های گوناگون، مسائل اسلام و مسلمین را مطرح و به وسیله حاضرین به غایبین که در اقصی نقاط جهان هستند رسانید. یکی از فلسفه‌های حج و آن اجتماع بزرگ همین است که مسائل مربوط به امت اسلام مطرح شود و برای چاره‌اندیشی، تبادل نظر به عمل آید (لَيْشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ). اجتماعی که برای انجام فرایض دینی همراه با عشق و ایمان به دور یکدیگر جمع شده‌اند، آمادگی روحی آنان برای پذیرش مسائل دینی بسیار است. تاریخ بیان می‌کند که پیامبر اکرم^(ص) بارها از این ظرفیت استفاده کردند. دعوت نخستین به اسلام، اعلان برائت از مشرکین و مسئله فتح مکه، نمونه‌هایی از حرکت تبلیغی می‌باشد.^{۱۸} لذا شایسته است بکوشیم با پیروی از پیامبر^(ص) از این ظرفیت عظیم در جهت تبلیغ دین حداکثر استفاده را بکنیم.

۲. حلم و بردباری

از عوامل مهم جذب دل‌های افراد به سوی اسلام، حلم و بردباری است. حلم نوعی تسلط بر نفس می‌باشد، به طوری که هنگام برخورد با صحنه‌های ناراحت‌کننده دچار غضب نشود و عکس‌العمل نشان ندهد. راغب اصفهانی حلم را مهار نفس و طبیعت از به هیجان درآمدن به سبب غضب می‌داند.^{۱۹} پیامبر^(ص) می‌فرماید: گشاده‌رویی زیور حلم و بردباری است.^{۲۰} بکوشیم برای رسیدن به اهداف متعالی تبلیغی خود از این راهکار استفاده کنیم. امام جعفر صادق^(ع) می‌فرماید: انسان بردبار پیروز است.^{۲۱} نبی مکرم اسلام^(ص) می‌فرماید: حلم دارای آثاری همچون موفق شدن به کارهای پسندیده، با نیکان، رغبت به نیکی، گذشت و مهلت‌دادن می‌باشد.^{۲۲} آن بزرگوار، خود واجد این فضیلت اخلاقی بود. آری پیامبر بزرگ اسلام^(ص) با بردباری از مردمی که به دور از فضایل اخلاقی بوده و به غارت و بت‌پرستی، شراب‌خواری، زنا و خیانت افتخار می‌کردند، انسان‌هایی ساخت که واجد عالی‌ترین مقامات انسانی شدند. با این که پیامبر^(ص) صدمه دید و گرفتار اذیت و آزار مخالفان گردید ولی در عین حال نه تنها آنان را نفرین نکرد

بلکه از خداوند برای آنان طلب هدایت می‌کرد. این یک راهکار بزرگ برای پیشبرد مقاصد تبلیغی است که ما پیام‌گزاران باید از آن سرمشق بگیریم.

انس بن مالک می‌گوید: روزی یک مرد عرب بیابان‌نشین محضر پیامبر (ص) آمد و ردای ایشان را گرفت و آن را با شدت کشید، به طوری که اثر آن روی گردن پیامبر (ص) نمایان شد. پس آن عرب بادیه‌نشین گفت: ای محمد (ص) از اموالی که خدا در اختیار تو قرار داده است چیزی به من عطا کن. پیامبر به او نگاه کرد و به رویش لبخند زد و دستور داد که چیزی به او بدهند.^{۲۳}

در روایت دیگری امام صادق (ع) درباره این صفت پیامبر (ص) می‌فرماید: روزی خدمتکار یکی از انصار به مسجد پیامبر آمد و در حالی که پیامبر (ص) ایستاده بودند ایشان رفت و گوشه‌ای از لباس آن حضرت را گرفت. پیامبر به او توجه نمود تا اگر کاری دارد برای او انجام دهد. ولی آن خدمتکار بدون آن که سخن بگوید، بیرون رفت. پیامبر (ص) به او چیزی نگفته و به زمین نشستند. آن خدمتکار دوباره آمد و این عمل را تا سه مرتبه تکرار کرد و در هر مرتبه پیامبر (ص) برمی‌خاست و سخن نمی‌گفت تا مرتبه چهارم شد و وی گوشه‌ای از لباس آن حضرت را قطع کرد و رفت. مردم به او گفتند چرا پیامبر را سه مرتبه از جای خود حرکت دادی و چیزی به او نگفتی، حاجت تو چه بود؟ او گفت در منزل ما مریض هست، مرا فرستادند تا قطعه‌ای از پیراهن او را برای استشفای بگیریم. ولی من حیا کردم که از لباس آن حضرت در حالی که نگاه می‌کند، چیزی جدا کنم. اما در دفعه چهارم پشت سر پیامبر به طرف من بود و من توانستم از لباس وی قطعه‌ای جدا کنم.^{۲۴}

۳. جنگ روانی در سیره تبلیغی پیامبر (ص)

جنگ روانی، استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و دیگر اعمالی است که منظور اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی‌طرف و یا گروه‌های دوست است.^{۲۵}

خداوند در قرآن به شیوه‌های مثبت جنگ روانی همچون تحقیر دشمن، ایجاد ترس در دل آنان، روحیه دادن به مسلمانان، مبارزه با شایعه و... اشاراتی کرده است. به عنوان مثال بعد از شکست مسلمانان در جنگ احد و بدر، مشرکان مکه هم‌پیمان شدند تا در اقدامی هماهنگ، مسلمانان را به کلی از میان بردارند. اما خداوند متعال



با نزول آیه زیر روحیه آنان را در هم ریخت و فرمود:

«قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتْغَلِبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

به کافران بگو به زودی شکست می‌خورند و در روز قیامت به جهنم رهسپار خواهند شد و چه بد جایگاهی است!»^{۲۶}

پس از نزول این آیه طولی نکشید که یهودیان مدینه و بت پرستان مکه شکست خوردند.

رسول گرامی اسلام^(ص) نیز در رویارویی نظامی با دشمن بارها از عملیات روانی مثبت استفاده کرده است. به عنوان مثال همین که متوجه شد دشمن قصد حمله به مدینه را دارد، به سوی دشمن می‌شتافت و با امداد از غیب، گاهی شکست دشمن و پیروزی مسلمانان را پیش‌گویی می‌نمود. چند ساعتی از شکست مسلمانان در احد نگذشته بود که پیامبر اکرم^(ص) متوجه شد دشمن از میان راه برگشته و با حمله به مدینه می‌خواهد کار را یکسره کند. حضرت دستور آماده‌باش داد و مسلمانان با بدن‌های زخمی به سوی دشمن حرکت می‌کردند. چون به حمراءالاسد رسیدند، پیامبر دستور داد افراد در طول روز هیزم جمع کنند و چون شب فرا رسید، در پانصد نقطه، آتش افروخت. سرانجام خبر آمادگی سپاهیان اسلام و تصور نیروی زیاد بر اثر آتش‌هایی که افروخته شد، دشمن را از تعرض باز داشت. بنابراین از روش‌هایی که همواره دشمنان در مقابل پیام‌آوران الهی جهت ایجاد شک و دو دلی و مانند آن به کار می‌بردند، پیامبر با راهکار مناسب نه تنها توطئه آنان را خستی فرمود، بلکه توانست رعب و وحشت را به اردوگاه دشمن هدایت نماید. اکنون به لحاظ اهمیت جنگ روانی، شایسته است پیام‌گزاران به چند نکته توجه نمایند:

۱. سعی شود اهداف دشمن در عملیات روانی را شناخته و با آن مقابله شود.
۲. دشمن در عملیات روانی معمولاً منافقانه وارد عمل می‌شود و اقدام به مردم‌فریبی می‌کند. لذا چهره او و عواملش به مردم معرفی شود. امروز امریکا و بعضی از متحدان اروپایی از این حربه استفاده‌های ناروایی نموده‌اند. خوب است مردم را در این مسیر آگاه سازیم.
۳. یکی از مهم‌ترین شگردهای دشمن، ایجاد یأس و بدبینی در میان مردم است.

- باید مردم را امیدوار کرده و به خوبی‌ها و کارهای مثبت انجام شده توجه دهیم.
۴. هر چه بیشتر، ایمان به خدا و امدادهای غیبی را در مردم تقویت کنیم.
۵. شگردهای جنگ روانی دشمن را برای مردم برملا سازیم.

۴. تبلیغ الگویی

قرآن مجید در موارد زیادی بر تبلیغ به روش الگویی تأکید کرده است. ذکر داستان‌های پیامبران و زنانی همچون مریم و آسیه همگی در راستای ارائه الگوهای پسندیده و بیان داستان‌های فرعون، همسران نوح و لوط برای نشان دادن الگوهای ناپسند می‌باشد. یک مکتب تربیتی هر چند از تعالیم ممتاز و ایده‌آلی برخوردار باشد، مادامی که الگویی را به عنوان نمونه ارائه نکرده، موفقیت چندانی نخواهد داشت. در مکتب اسلام ارائه الگوها همراه با دستورالعمل‌ها و تعالیم ممتاز، قول و فعل را ملازم همدیگر ساخته است، به گونه‌ای که زمینه تأثیرپذیری مخاطب را دو چندان نموده است.

در نظرگاه قرآن، پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) نسخه کامل بشریت و اسوه حسنه‌ای

ادب و احترام به مردم از ویژگی‌های شخصیتی پیامبر اسلام است. آن بزرگوار حتی در مقام دعوت و تبلیغ دین خدا در برابر کافران و مشرکان نیز با نهایت احترام و تواضع سخن می‌گفت ﷺ

است که تمامی رفتار و کردارش بیانگر تعالیم مکتب می‌باشد. سیره عملی و رفتاری آن بزرگوار در کتب روایی و تاریخ ثبت شده و در اختیار ما می‌باشد. ویژگی‌های ایشان در خانه، اجتماع، با دوستان، دشمنان، در جبهه و جنگ، در عبادات، در نظافت، نظم و... زبان زد خاص و عام می‌باشد و ما پیام‌گزاران با معرفی این الگوی عملی می‌توانیم پیام خود را به مخاطب بهتر ابلاغ کنیم. به خاطر داشته باشیم که در الگودهی؛ ظرفیت، مخاطب، تناسب و مانند آن باید رعایت گردد.

۵. احترام به مردم

ادب و احترام به مردم از ویژگی‌های شخصیتی پیامبر اسلام است. آن بزرگوار حتی در مقام دعوت و تبلیغ دین خدا در برابر کافران و مشرکان نیز با نهایت احترام و تواضع سخن می‌گفت. شما پیام‌گزاران، نیک می‌دانید که اگر مبلغ بتواند در دل و



جان مخاطبان تأثیرگذار باشد در رسیدن به نتایج، گام‌های سریع‌تری برداشته است و پیامبر (ص) با راهکارهای خاص خود، همچون احترام به مردم این زمینه را به وجود آورد. به عنوان مثال پیامبر (ص) احترام خاص برای کودکان قائل بود. انس بن مالک نقل می‌کند که رسول خدا (ص) وقتی که بر کودکان می‌گذشت به آنان سلام می‌داد. در روایت دیگر دارد که فرمود: یکی از پنج خصلتی که تا پایان عمر هرگز ترک نخواهم کرد سلام کردن به کودکان است تا پس از من به صورت سنت درآید.^{۲۷} همچنین احترام به دیگر طبقات در سرلوحه کار تبلیغی پیامبر (ص) بود. در روایت می‌خوانیم مردی وارد مسجد شد در حالی که پیامبر (ص) تنها نشسته بود. حضرت بلند شد و جا باز کرد آن شخص با کمال تعجب گفت ای رسول خدا جا که بسیار است فرمود حق مسلمان بر مسلمان است که اگر دید برادرش می‌نشیند بلند شود و برایش جا باز کند.^{۲۸}

هرگز پیامبر اسلام خلق و خوی مردمی و محبت به مردم را فراموش نکرد. مانند خود مردم زندگی می‌کرد. قدرت، رفتار او را عوض نکرد. در همه حال با مردم و از مردم بود. نقل شده که از او بخشنده‌تر، یاری‌کننده‌تر، شجاع‌تر و درخشان‌تر کسی دیده نشده است.^{۲۹} با این که هیبت الهی داشت، با مردم خوش رفتاری می‌کرد. وقتی در جمعی می‌نشست، شناخته نمی‌شد که او پیامبر خدا است.

۶. تبلیغ عملی

پیامبر اکرم (ص) با ارائه الگوی انسان کامل در زندگی شخصی و عملی خویش، مبلغ واقعی دین و آیین خدا گردید. این عمل بسیار تأثیرگذار بود به گونه‌ای که حتی کسانی را که افکار انحرافی در سر می‌پروراندند به طرف خود جذب نمود. نیک آشکار است که کارآیی سخن و تبلیغ زبانی در برابر کارآیی عمل بسیار ناچیز است. به همین جهت پیشوایان دینی ما به این امر اهتمام می‌ورزیدند. در روایت می‌خوانیم که روزی پیامبر اکرم (ص) با جمعی نماز می‌گزارد و حسین (ع) در حالی که خردسال بود نزدیک ایشان بود. هرگاه پیامبر به سجده می‌رفت حسین (ع) می‌آمد و بر پشت ایشان سوار می‌شد و هرگاه رسول خدا (ص) می‌خواست سر از سجده بردارد، ایشان را می‌گرفت و در کنارش می‌نهاد و وقتی به سجده می‌رفت آن حضرت مجدداً بر پشت پیامبر (ص) سوار می‌شد. او پیوسته چنین می‌کرد تا آنکه

پیامبر(ص) از نماز فارغ شد. در این هنگام مرد یهودی گفت ای محمد(ص) شما با کودکان کاری انجام می دهید که ما چنین نمی کنیم. پیامبر(ص) فرمود اگر شما به خدا و رسولش ایمان داشته باشید، به کودکان مهربانی می کنید. مرد یهودی گفت: من به خدا و فرستاده اش ایمان آوردم! بدین ترتیب با دیدن این بزرگواری از پیامبر با آن عظمت جایگاه، اسلام آورد.^{۳۰}

این حرکت پیامبر(ص) یک راهکار مهم در تبلیغ دین می باشد. راهکاری که برگرفته از آموزه های قرآنی می باشد آن جا که فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزی می گوئید که در مقام عمل خلاف آن انجام می دهید».^{۳۱}

در نظرگاه استاد مطهری یک فرق میان مکتب انبیا و مکتب فلاسفه و حکما این است که حکما اهل نظریه و تعلیم و تدریس می باشند و سروکارشان تنها از راه زبان با افکار و ادراکات بشر است. ولی پیامبران ﷺ تبلیغ دین که در راستای تربیت دینی صورت می گیرد، باید به تدریج انجام شود، تا مردم طاققت پذیرش آن را داشته باشند. ﷺ به آنچه می گویند قبل از

آنکه از دیگران تقاضای عمل بکنند، خودشان عمل می کنند و لهذا تا اعماق روح بشر نفوذ می نمایند. قلب و احساسات بشر را تحت تصرف خویش درمی آورند. اولیای دین مردم را با عمل خود تحت تأثیر قرار می دادند.^{۳۲}

شما مبلغان دینی می دانید که عموم مردم به ویژه نسل جوان بیشتر به عمل شما نگاه می کنند تا محتوای پیامتان. به همین جهت خداوند متعال در آیه ای مبلغان بدون عمل را مورد نکوهش قرار می دهد و می فرماید: آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خودتان را از یاد برده اید در حالی که کتاب الهی را تلاوت می کنید، آیا خرد نمی ورزید!؟

«تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^{۳۳}

در آیه دیگری از برانگیخته شدن خشم الهی نسبت به کسانی یاد می کند که سخن می گویند ولی بدان جامه عمل نمی پوشانند.^{۳۴} رسول اکرم(ص) اولین عمل کننده



به سخنان خود بود. اگر تشویق به جهاد می‌کرد خود پیشاپیش همه در میدان بود. اگر بحث از انفاق و تعاون داشت، خود در این زمینه نه تنها هم‌گام مردم، بلکه پیش‌رو مردم بود و اگر بحث از لغو امتیازات طبقاتی داشت، خود به عنوان نمونه با بردگان می‌نشست و غذا می‌خورد و با اصحاب صفا به گفتگو می‌پرداخت. خود کار می‌کرد و آن‌گاه مردم را به کار و تلاش فرامی‌خواند. ایشان در کندن خندق به سربازان کمک می‌کرد و در هیچ وضع و حالتی از همگامی با امت خودداری نمی‌کرد.^{۳۵}

۷. تبلیغ تدریجی

نمی‌توان انتظار داشت که همه مردم به یکباره به انجام نیکی‌ها و ترک بدی‌ها مبادرت ورزند. از این رو تبلیغ دین که در راستای تربیت دینی صورت می‌گیرد، باید به تدریج انجام شود، تا مردم طاقت پذیرش آن را داشته باشند. شما پیام‌گزاران دینی همچون طبیب‌هایی هستید که می‌خواهید بیماری‌های اخلاقی و فکری جامعه را مداوا کنید. پس با حوصله، دقت و تأنی کار خود را انجام دهید و در صدد نباشید یک‌شبه راه صدساله را طی کنید. باید بدانید تبلیغ تدریجی رمز موفقیت شماست و می‌توانید از این طریق بسیاری از مشکلات را حل کنید. فراموش نکنید که موفقیت پیامبر اسلام در سایه تبلیغ تدریجی‌اش به دست آمد.

قرآن کریم هم در طول سال‌های پس از بعثت به تدریج بر حضرت محمد (ص) نازل گردید تا آن حضرت نیز به تدریج بر مردم قرائت و ابلاغ فرماید؛ چرا که زمینه تبلیغی خیلی از امور فراهم نبود؛ تحریم شرب خمر و ربا از این نمونه می‌باشد. آن بزرگوار در یک مرحله به صورت انفرادی و غیر علنی، مردم را به دین دعوت می‌نمودند. امام صادق (ع) می‌فرماید: پس از نزول وحی، رسول خدا (ص) ۱۳ سال در مکه ماند که سه سال آن با دعوت پنهانی گذشت، تا آنکه خدا فرمان علنی دعوت را اعلام و پیامبر دعوت خود را آشکار نمود.^{۳۶} در مرحله علنی با انداز خویشان آغاز گردید. در تفسیر «دُرِّالمثور» چگونگی علنی شدن دعوت پیامبر را این‌گونه نقل می‌کند که پیامبر (ص) بر بالای کوه صفا ایستاد و قریش را ندا داد. چون اجتماع نمودند، چنین فرمود: اگر به شما خبر دهم که گروهی در پایین کوه بر ضد شما جمع شده‌اند، آیا مرا تصدیق می‌کنید؟ گفتند: آری، تو پیش ما متهم نیستی و

ما هرگز از تو دروغی نشنیده‌ایم. فرمود، پس شما را به عذاب دردناک هشدار می‌دهم... ابولهب برخاست و فریاد برآورد که همین امروز بمیری! مردم از اطراف او پراکنده شدند و خدا این آیه را نازل فرمود: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ»^{۳۷}

۸. عفو و گذشت

یکی از راهکارهای نبی مکرم اسلام^(ص)، عفو و گذشت نسبت به افراد خطاکار بود. در این رابطه خداوند در آیات متعددی پیامبر را به گذشت امر می‌کند. در آیه‌ای می‌فرماید: از پرتو رحمت الهی در برابر آن‌ها نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند، بنابراین آن‌ها را عفو کن و برای آنان آمرزش بخواه.^{۳۸}

امام صادق^(ع) می‌فرماید: بعد از فتح مکه، پیامبر اکرم^(ص) بر کوه صفا بالا رفت و فریاد زد: بنی‌هاشم، فرزندان عبدالمطلب، من رسول و فرستاده پروردگار به سوی شما هستم و دل‌سوز شما می‌باشم.^{۳۹} به نقل
اصولاً اگر ارسال پیام بر اساس معرفت و آگاهی پیام‌گیرندگان صورت
نگیرد، تلاش پیام‌گزار در دسترسی به اهدافش بی‌ثمر خواهد ماند. ﷺ
ابن‌اثیر، از مردها در کوه
صفا بیعت گرفت که تا
توان دارند مطیع خدا باشند.^{۴۰} عفو در جریان فتح مکه، ما را به چند نکته مهم
راهنمایی می‌کند.

۱. پیامبر اکرم^(ص) سعی می‌کرد که مکه را بدون جنگ و خونریزی فتح نماید.
۲. پیامبر^(ص) بر طبق مقررات اسلامی می‌توانست مردم مکه را از بین ببرد و می‌توانست آن‌ها را اسیر نماید ولی با بزرگواری روح و عظمت فوق‌العاده همه آن‌ها را با جمله «اذْهَبُوا فَأَنْتُمْ الطَّلَقَاءُ» آزاد کرد.
۳. عفو پیامبر از کفار و مشرکین سبب جذب آن‌ها به اسلام و جلوگیری از خونریزی و فتنه‌های زیاد و کینه‌توزی‌های عمیق شد.
۴. اگر پیامبر اساس کار خود را بر گذشت و عفو نمی‌گذاشت، مسلمان‌هایی که از مشرکان مکه صدمات فراوانی خورده بودند در چنین شرایطی که قدرت به دست آورده بودند دست به انتقام می‌زدند و آن‌چنان هرج و مرج شدیدی پدید می‌آمد که مانع رشد اسلام می‌گردید.^{۴۱}



۹. در نظر گرفتن ظرفیت فکری مخاطبان

پیام‌گزاری که می‌خواهد پیامی را به گیرندگان منتقل کند، قبل از هر چیز باید سطح علم و آگاهی آنان را مورد توجه قرار دهد. اصولاً اگر ارسال پیام بر اساس معرفت و آگاهی پیام‌گیرندگان صورت نگیرد، تلاش پیام‌گزار در دسترسی به اهدافش بی‌ثمر خواهد ماند. امام صادق^(ع) می‌فرماید: هرگز رسول خدا^(ص) با مردم به اندازه عمق عقل خود سخن نگفت^{۴۲} (یعنی معیار گفتار آن بزرگوار درجات آگاهی و معرفت مخاطبان بوده است) این راهکار از ویژگی‌های پیامبر اکرم^(ص) در تبلیغ دین اسلام بوده است. آن حضرت در فراز دیگری می‌فرماید: تفاوت فهم سلمان با دیگران به اندازه‌ای بود که رسول اکرم^(ص) و علی^(ع) از اسرار علم الهی چیزهایی را به سلمان می‌گفتند که دیگران قدرت تحمل آن را نداشتند.^{۴۳}

بنابراین قبل از انتقال پیام باید از سطح آگاهی مخاطبان آگاه باشید. حضرت علی^(ع) درباره پیامبر^(ص) می‌فرماید: پیامبر طبیعی است که در میان بیماران می‌گردد تا دردشان را درمان کند، داروها و مرهم‌های خود را مهیا کرده است و ابزار جراحی خویش را گذاخته است تا هر زمان که نیاز افتد آن را بر دل‌های نابینا و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های ناگویا بگذارد.^{۴۴}

استاد مطهری در شرح این حدیث می‌فرماید: «پیامبر ابزار و وسایلی به کار می‌برد. یک‌جا قدرت و میسم (داغ) به کار می‌برد یک‌جا مرهم. یک‌جا با خشونت و صلابت رفتار می‌کرد و یک‌جا با نرمی. ولی مواردش را می‌شناخت. در هر جا که از این وسایل استفاده می‌کرد در جهت بیداری و آگاهی مردم استفاده می‌کرد. شمشیر را جایی می‌زد که مردم را بیدار کند نه به خواب کند. اخلاق را در جایی به کار می‌برد که سبب آگاهی و بیداری می‌شد».^{۴۵}

لذا پیامبر^(ص) می‌فرماید: «ما پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم».^{۴۶} مولوی به مضمون حدیث اشاره کرده و می‌گوید:

پس همی گوید به اندازه عقول

عیب نبود، این بود کار رسول

ایشان در توضیح حدیث ادامه می‌دهد که در مکتب و روشی که انبیا دارند، همه‌گونه شاگرد می‌تواند استفاده کند. همه جور متاع در آن‌جا هست، هم عالی که افلاطون باید بیاید شاگردی کند و هم پایین که به درد یک پیرزن می‌خورد. بر

سر در هیچ مکتب پیامبری نوشته نشده که هر کس می‌خواهد از اینجا استفاده کند باید فلان قدر تحصیل کرده باشد، زیرا «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ»^{۴۷}

۱۰. ارسال نامه به سران و پادشاهان جهان

در تاریخ آمده است که یکی از کارهای مهم رسول اکرم (ص) تشکیل دیوان‌الرسائل یا دبیرخانه بوده و همیشه گروهی از کاتبان، نامه‌ها و فرمان‌های پیامبر (ص) را می‌نوشتند و به وسیله پیک می‌فرستادند و نامه‌های رسیده را نیز به نظر ایشان می‌رساندند و اگر احتیاج به ترجمه داشت ترجمه می‌کردند.^{۴۸}

این حرکت پیامبر اسلام یک راهکار مهم در تبلیغ دین به شمار می‌رود، اگر قوانین دینی و آموزه‌های آن، جهان شمول می‌باشد، راهکارهای تبلیغاتی آن هم باید متناسب با آن، فرامنطقه‌ای باشد و پیامبر اسلام با حرکت تبلیغی خود این را اثبات کردند. استاد جعفر سبحانی می‌نویسد: نامه‌های پیامبر مکرم اسلام (ص) روشی بسیار نوین و ابتکاری در دیپلماسی بود که هرگز بی‌اثر نبود. همچنان که می‌توان آن را بهترین گواه بر قوت ایمان آن حضرت شمرد، زیرا کسی که هنوز از زیر فشار شکنجه قوم خود نجات نیافته و چندان نیرو و ارتشی نداشت، با کمال صراحت و شجاعت امپراتور ایران و همچنین سایر زعما و رهبران جهان را به سوی اسلام فراخواند؛ در حالی که هنوز حتی در شبه‌جزیره عربی استقرار کافی نیافته بود و همین روش و دیپلماسی پیامبر بود که بعضی از زمام‌داران را به دین اسلام متمایل ساخت.^{۴۹} پروفیسور محمد حمیدالله، استاد دانشگاه پاریس در کتاب «الوثائق السياسية» ۲۹ نامه آن حضرت و مرحوم آیت‌الله احمدی میانجی در کتاب «مکاتیب الرسول» صورت ۱۸۶ نامه از نامه‌های پیامبر (ص) را ذکر کرده‌اند.

۱۱. مردمی بودن

قرآن درباره پیامبر (ص) می‌فرماید: به یقین رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج‌های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است



«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»^{۵۰}

به تعبیر مفسرین، عبارت «من انفسکم» در جمله «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» اشاره به شدت ارتباط پیامبر (ص) با مردم دارد؛ گویی پاره‌ای از جان مردم و از روح جمعی در شکل پیامبر (ص) ظاهر شده است. به همین دلیل تمام دردهای مردم را می‌داند، از مشکلات آنان آگاه است و در ناراحتی‌ها و غم‌ها با آنان شریک می‌شود.^{۵۱} پس از ذکر صفت «مِنْ أَنْفُسِكُمْ» به سه قسمت دیگر از صفات ممتاز پیامبر (ص) که در تحریک عواطف اثر دارد اشاره می‌کند. اول می‌گوید «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ» که هرگونه ناراحتی و زیان و ضرری به شما می‌رسد برای او سخت ناراحت‌کننده است. دیگر این که او سخت به هدایت شما علاقه‌مند است «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ» و آخر این که می‌فرماید «بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» یعنی او نسبت به مؤمنان رؤوف و رحیم است.

۱۲. شرح صدر

شرح صدر به معنی توسعه، توانایی و آمادگی قلب، فکر و روح آدمی در پرتو انوار و الطاف الهی برای دریافت و پذیرش حقایق و معارف دینی و تحمل و شکیبایی در برابر ناملازمات و مشکلات تبلیغ دین است.^{۵۲} روایت شده است پس از این که رسول گرامی اسلام (ص) آیه شریفه: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ»^{۵۳} را تلاوت فرمود از ایشان پرسیدند معنی شرح صدر چیست؟ فرمود نوری است که در قلب آدمی تابانده می‌شود و در اثر آن قلب وسعت (آمادگی برای قبول حق) می‌یابد.^{۵۴} در حدیث می‌خوانیم پیامبر (ص) فرمود: بیشترین دعای من و دعای پیامبران پیش از من در عرفه این دعاست: خدایا در دلم و گوشم و چشمم نور قرار بده، خدایا به من شرح صدر بده و کارم را آسان کن.^{۵۵}

آثار و نشانه‌های شرح صدر

۱. اگر شما پیام‌گزار دینی از موهبت شرح صدر بهره‌مند باشید، برای از دست دادن امکانات مادی، موقعیت سیاسی-اجتماعی و پست و مقام، دل‌تنگ و

اندوهگین نمی‌شوید و پاداش‌های بی‌پایان الهی و سرای جاوید آخرت را فراروی خود می‌بینید. از رسول خدا(ص) پرسیدند نشانه شرح صدر چیست؟ فرمود روی گردانی از خانه فریب (دنیا) به سرای جاودانگی (آخرت) و مهیا شدن برای مرگ پیش از آنکه فرا رسد.^{۵۶}

۲. خشونت و بی‌ادبی مخاطبان ناآگاه شما را آزرده خاطر و خشمگین نمی‌سازد. در این مورد می‌توان به سعه صدر پیامبر بزرگوار اسلام(ص) در پاسخ به پرسش‌های توأم با خشونت ضمان بن‌ثعلبه، فرستاده بنی‌سعد بن بکر و در نهایت مسلمان شدن او و قبیله‌اش اشاره نمود.^{۵۷}

۳. در نفرین و مجازات مخالفان شتاب نمی‌ورزید. خدای مهربان به رسول اکرم(ص) می‌فرماید: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُكِنِّ كَصَاحِبِ الْأُخُوتِ»^{۵۸} صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش و مانند صاحب ماهی (یونس) مباش که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک اولی شد.

از این رو آن حضرت هنگام مواجهه با آزار و اذیت مردم به جای نفرین و گلاویه، برای آن‌ها دعا می‌کرد «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^{۵۹} پروردگارا ملت‌م را هدایت فرما که نادان‌اند.

۱۳. تبشیر و انذار

تشویق، به معنی برانگیختن، به شوق در آوردن^{۶۰} و راغب نمودن و تنبیه به معنی بیدار نمودن و آگاهی دادن است.^{۶۱}

قرآن از واژه تبشیر و انذار استفاده می‌نماید و درباره پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید ما تو را مبشّر و نویددهنده فرستادیم.^{۶۲}

تشویق و تبشیر موجب ترویج ارزش‌ها و حرکت به سوی تکامل است. با تشویق می‌توان اراده و روحیه افراد را قوی و پربار نمود. همچنان که تنبه برای پیشگیری و درمان بسیاری از ناهنجاری‌ها راه‌گشا است.

شما پیام‌گزاران با تشویق می‌توانید ارزش‌های دین را در دل‌ها تثبیت کنید و



با تنبیه افراد خطاکار آنها را متوجه عادت‌های زشت و ناپسندشان نمایید و به آنها بفهمانید که باید دست از عملشان بردارند و گرنه سرنوشت شومی در انتظار آنها خواهد بود. استاد مطهری می‌فرماید تبشیر و انذار هیچ کدام به تنهایی کافی نمی‌باشد. تبشیر شرط لازم هست ولی شرط کافی نمی‌باشد. انذار هم شرط لازم هست ولی شرط کافی نیست. در دعوت به تبلیغ دین، هر دو رکن باید باشد. اشتباه است اگر مبلغ تنها تکیه‌اش روی انذارها باشد و بلکه جانب تبشیر باید بچربد و شاید به همین دلیل است که قرآن کریم تبشیر را مقدم می‌دارد.^{۶۳} در قرآن کریم و سیره معصومین، هم تشویق مطرح شده و هم تنبیه. به عنوان نمونه قرآن به رسول گرامی اسلام^(ص) می‌فرماید مؤمنان را به جنگ با دشمن تشویق کن^{۶۴} و هنگامی که زکاتشان را می‌پردازند بر آنان درود فرست و بریشان دعا کن.^{۶۵} و یا به عنوان تنبیه می‌فرماید: از جاهلان روی بگردان و در مسجد منافقان به عبادت نایست.^{۶۶}

از مهم‌ترین بشارت‌های پیامبر^(ص) که خطاب به مشرکان برای پذیرش اسلام می‌باشد، شعار بزرگ «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا» (بگویید معبودی جز الله نمی‌باشد تا رستگار شوید) است که سرلوحه دعوت و تبلیغ پیامبر اکرم^(ص) بود. مژده به نعیم اخروی و بشارت به سعادت دنیوی در دعوت پیامبر زیاد به چشم می‌خورد. هم‌چنین انذار و هشدار پیامبر به مشرکان نسبت به عواقب کارشان در دستور کار پیامبر بود. استاد مطهری معتقد است بعضی دعوت‌ها نه تنها سوق دادن نمی‌باشد، بلکه تنفر و نفرت ایجاد کردن و فرار دادن است. ایشان معتقد است بسیاری از اوقات پدرها و مادرها یا بعضی از معلمان کاری می‌کنند که در روح دانش‌آموز، حالت تنفر و گریز از مدرسه ایجاد می‌شود. طبق سیره ابن‌هشام پیامبر^(ص) وقتی معاذبن‌جبل را برای تبلیغ مردم یمن به یمن فرستاد، به او چنین توصیه کردند: «یا معاذ بشر و لا تنفر. یسر و لا تعسر»؛ برای تبلیغ اسلام، اساس کارت، تبشیر و مژده باشد؛ کاری کن که مردم مزایای اسلام را درک کنند و از روی میل و رغبت به اسلام گرایش پیدا کنند. پیامبر نفرمود و لا تنذر؛ چون انذار، جزو برنامه‌ای است که قرآن دستور داده، بلکه فرمود «لا تنفر»، کاری‌نکن که مردم را از اسلام فراری دهی و متنفر کنی. مطلب را طوری تقریر نکن که عکس‌العمل روحی مردم فرار از اسلام باشد.^{۶۷}

۱۴. سازش ناپذیری در اصول

سازش ناپذیری در اصول به معنی داشتن قاطعیت، صلابت، انعطاف ناپذیری در اصول و مبانی دین، ارزش‌ها و احکام الهی و حقوق مردم است. دشمنان خدا در طول تاریخ در پی آن بودند که از حرکت‌های الهی پیامبران، در جهت پیاده شدن آموزه‌های دینی جلوگیری کنند. در این مسیر، پیامبر خدا (ص) نیز با مشکلات و موانع متعدد و از جمله تطمیع و تهدید روبرو بود، ولی از رسالت الهی خویش کوتاه نیامد؛ بلکه فعالیت خویش را بیشتر و بیشتر نمود، به گونه‌ای که توانست سرود توحید را به گوش جهانیان برساند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمود به خدا سوگند اگر آفتاب را در دست راست من و ماه را در دست چپ من قرار دهند (یعنی فرمان‌روایی همه جهان را به من دهند) که از تبلیغ آیین و از هدفم دست بردارم، هرگز چنین نخواهم کرد و هدف خود را تعقیب می‌کنم تا بر مشکلات پیروز شوم و به مقصد نهایی برسم و یا در راه هدف

جان سپارم.^{۶۸} دشمنان خدا در طول تاریخ در پی آن بودند که از حرکت‌های الهی پیامبران، در جهت پیاده شدن آموزه‌های دینی جلوگیری کنند. در این مسیر، پیامبر خدا (ص) نیز با مشکلات و موانع متعدد و از جمله تطمیع و تهدید روبرو بود، ولی از رسالت الهی خویش کوتاه نیامد؛ بلکه فعالیت خویش را بیشتر و بیشتر نمود، به گونه‌ای که توانست سرود توحید را به گوش جهانیان برساند.

مهم‌ترین موردی که لازم است پیام‌گزاران دینی به تأسی از پیامبر اسلام، در جهت حفظ آن استوار باشند، حفظ

اصول و مبانی دین می‌باشد. هرگز راضی به کم‌ترین تحریف و انحراف در باورهای دینی، ارزش‌ها و احکام الهی نشوید. با کسانی که ایمان و عقاید اسلامی را مورد تعرض قرار می‌دهند، تسامح و تساهل روا مدارید. حفظ نظام اسلامی از مهم‌ترین واجبات شرعی است و همه باید نسبت به آن اهتمام کامل داشته باشیم.

۱۵. تألیف قلوب و ایجاد وحدت

مبلغ بایستی در انجام رسالت الهی خویش در تألیف قلوب مردم و ایجاد وحدت بین آن‌ها کوشا باشد و این حرکت را به پیروی از پیامبر اکرم (ص) و وظیفه اصلی خود بشمارد. یکی از کارهایی که پیامبر (ص) در همان ماه‌های اول ورود به مدینه انجام دادند، ایجاد اخوت بین مسلمان‌ها بود؛ یعنی مسلمان‌ها را با هم برادر کردند. بدین صورت که آن‌ها



را دو به دو با هم برادر قرار داد و طبقات و خانواده‌های این‌ها و اشرافی‌گری اشراف مدینه و قریش را رعایت نکرد و غلام سیاهی را با یک نجفی بزرگ و آزاد شده‌ای را با یک آفازاده معروف و بنی‌هاشم را با قریش برادر کرد. او با این کار زمینه برادری را در بین مردم ترویج کرد. بکشیم زمینه برادری را در میان همه مردم و میان هم طوایف و فرق ترویج کنیم. اندکی تأمل ما را متوجه این نکته می‌کند که امروز سرنخ بسیاری از اختلافات بین مسلمین، به دست قدرت‌های استکباری می‌باشد که می‌کوشند جایگاه وحدت دینی را در بین مردم کم رنگ کنند. باید بکشیم با این حرکت، مقابله کرده و وحدت را ترویج کنیم. مقام معظم رهبری در خصوص وحدت می‌فرمایند:

«دو جهت‌گیری اساسی در وحدت وجود دارد، یکی عبارت از رفع اختلافات و تناقض‌ها و درگیری‌ها و تضادها که از قرن‌ها پیش تا امروز بین طوائف و فرق مسلمین وجود داشته و همیشه به ضرر مسلمین بوده است. دیگر این که وحدت باید در خدمت و در جهت حاکمیت اسلام باشد والا هیچ است. علمای اسلام قبول دارند که قرآن می‌فرماید: "وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ" پیامبر که نیامد نصیحتی بکند، حرفی بزند، مردم هم کار خودشان را بکنند و به او هم احترامی بگذارند، آمد تا مورد اطاعت قرار بگیرد. جامعه و زندگی را هدایت کند. نظام را تشکیل دهد و انسان‌ها را به سمت اهداف زندگی درست پیش ببرد».^{۷۰}

نتیجه‌گیری

با دقت در سیره عملی و تبلیغی پیامبر (ص) روشن می‌شود که مبلغان و پیام‌گزاران باید از برجسته‌ترین افراد باشند و در کارهای بایسته و شایسته و پرهیز از بدی، پیشگام و جلو‌دار باشند. باید باورهای دینی و معرفتی در آنان همچون پیامبر (ص) نمونه باشد. اخلاق معاشرتی مبلغان مانند پیامبر (ص) باید در حد بسیار مطلوبی باشد، به گونه‌ای که هر کس آنان را می‌بیند گمشده خود را در آنان دریابد. مردم باید بی‌اعتنایی به دنیا، آزادگی، دل‌سوزی و گذشت را در وجود مبلغ ببینند. همچنان که باید تواضع، شجاعت و شهامت را در وی مشاهده کنند. آری پیام‌گزار دینی آنچه را که از دین برای مردم می‌گوید، مردم همان را در عمل او ببینند. رویکرد پیامبرانه در دهکده جهانی، بهترین روش برای دعوت مردم به دین خدا می‌باشد و راهکارهای تبلیغی نبی اکرم (ص) ما را به آن رویکرد نزدیک می‌کند.

پی نوشت:

- * استادیار پژوهشگرده تحقيقات اسلامي
۱. دائره‌المعارف علوم اجتماعي، شماره ۵۷۷، دكتور ساروخاني، مؤسسه کيهان، سال ۷۰.
 ۲. قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۹۹.
 ۳. قرآن کریم، سوره نمل، آیه ۱۲۵.
 ۴. محمدتقی رهبر، پژوهشي در تبليغ، ص ۸۰.
 ۵. قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۳۶.
 ۶. قرآن کریم، سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵.
 ۷. قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۲۴.
 ۸. قرآن کریم، سوره احزاب، آیات ۴۵ - ۴۶.
 ۹. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه.
 ۱۰. قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۳۹.
 ۱۱. ر. ک تبليغ دين از منظر دين، حميد نگارش و همکاران.
 ۱۲. فرهنگ و تهاجم فرهنگي، ص ۳۹۴.
 ۱۳. مقدمه‌ای بر جهان‌بینی، مرتضی مطهری، صدر، بی تا، ص ۱۴۸.
 ۱۴. حیات‌الصحابه، ج ۱، ص ۷۳.
 ۱۵. حیات‌الصحابه، ج ۱، ص ۷۴.
 ۱۶. حیات‌الصحابه، ص ۸۰.
 ۱۷. حیات‌الصحابه، ص ۸۵ - ۸۶.
 ۱۸. ر. ک پژوهش در تبليغ، ص ۴۲۲.
 ۱۹. مفردات راغب، ماده حلم.
 ۲۰. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۳۳.
 ۲۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۶۹.
 ۲۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۱۷.
 ۲۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۰.
 ۲۴. علامه مجلسی، بحارالانوار، ص ۲۶۴.
 ۲۵. شیرازی، محمد، جنگ روانی و تبليغات، ص ۱۴۰.
 ۲۶. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۲.
 ۲۷. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۵.
 ۲۸. قمی، شیخ عباس، سفینه‌البحار، ج ۱، ص ۴۱۶.
 ۲۹. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۱.
 ۳۰. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۶.
 ۳۱. قرآن کریم، سوره صف، آیه ۲.
 ۳۲. مطهری، مرتضی، حکمت‌ها و اندرزها، ص ۲۲۳.
 ۳۳. قرآن کریم، سوره بقره، آیه ۴۴.
 ۳۴. قرآن کریم، سوره صف، آیه ۲.
 ۳۵. قائمی، علی، روش دعوت محمد(ص)، صص ۷۲-۷۳ با اندکی تصرف.
۳۶. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۵۹.
 ۳۷. عباسی، مصطفی، اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تبليغی آنان، ص ۱۲۶.
 ۳۸. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.
 ۳۹. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۵۹.
 ۴۰. ابن اثیر، الکامل، ص ۸۵.
 ۴۱. ر. ک. خورشید اسلام چگونه شکل گرفت، ص ۱۹۷.
 ۴۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۸۵.
 ۴۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۳۳۱.
 ۴۴. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۸.
 ۴۵. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، ص ۱۳۴.
 ۴۶. تبليغ در قرآن و حدیث، ص ۲۸۹.
 ۴۷. مطهری، مرتضی، ده گفتار، ص ۲۰۱.
 ۴۸. مبانی حکومت اسلامی، ص ۲۸۹، ترجمه داود الهامی.
 ۴۹. مبانی حکومت اسلامی، ص ۱۷، ترجمه داود الهامی.
 ۵۰. قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۲۸.
 ۵۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۲۰۶.
 ۵۲. با استفاده از العین، مفردات راغب، لغت‌نامه دهخدا و المیزان، واژه صدر.
 ۵۳. قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۱۲۵.
 ۵۴. سیوطی، الدرالمثور، ج ۳، ص ۴۵.
 ۵۵. تبليغ در قرآن و حدیث، ص ۲۰۶.
 ۵۶. تبليغ در قرآن و حدیث، ص ۶۱.
 ۵۷. ر. ک. سیره‌النبویه، ابن هشام، ج ۴، ص ۲۱۹.
 ۵۸. قرآن کریم، سوره قلم، آیه ۴۸.
 ۵۹. بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۲۱.
 ۶۰. سعیدالخورى، اقرب‌الموارد، ج ۳، ص ۱۱۸.
 ۶۱. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه ج ۱۵، ص ۷۱۹.
 ۶۲. قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۴۵.
 ۶۳. مطهری، مرتضی، سیری در سیره نبوی، صص ۲۰۶-۲۱۹.
 ۶۴. قرآن کریم، سوره انفال، آیه ۶۵.
 ۶۵. قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۱۰۳.
 ۶۶. قرآن کریم، سوره انعام، آیه ۶۸، سوره اعراف، آیه ۱۹۹ و سوره توبه، آیه ۱۰۸.
 ۶۷. مجموعه آثار، ج ۱۶، ص ۱۵۶.
 ۶۸. فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۶۷.
 ۶۹. قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.
 ۷۰. حدیث ولایت، ج ۵، ص ۲۴۲.

